

بنی فضل؛ المدونة الكبرى: مالك بن انس (م. ۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ مرآة الحرمين: ابراهيم رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قاهره، دار الكتب المصريه، ۱۳۴۴ق؛ مسائل على بن جعفر: على بن جعفر (م. قرن ۲ق.)، مشهد، كنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۹ق؛ المستدرک على الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به كوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مستند الشیعه: احمد التراقی (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق؛ مستند العروة الوثقی: تقرير بحث الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، مرتضى بروجردی، قم، مدرسة دار العلم؛ المصباح المنیر: الفيومی (م. ۷۷۰ق.)، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به كوشش حبيب الرحمن، المجلس العلمی؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به كوشش ثروت عكاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به كوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشریبینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰۰ق.)، بیروت، دار الكتب العلمیه؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ المقنع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسة الامام الهادی علیه السلام، ۱۴۱۵ق؛ المقنعه: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناسک الحج: جواد تبریزی، قم، مهر، ۱۴۱۴ق؛ مناسک الحج: سید کاظم الحسینی الحائری؛ مناسک الحج: وحید خراسانی؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ المنطق: ابن حبيب (م. ۲۴۵ق.)، به كوشش احمد فاروق، بیروت،

عالم الكتب، ۱۴۰۵ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به كوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ الموطأ: مالك بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق؛ المهذب: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ق.)، به كوشش جمعی از محققان، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ النهایه: ابن اثیر مبارک بن محمد الجزری (م. ۶۰۶ق.)، به كوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق.

سید سعید حسینی



اعتكاف: توقف در مسجد الحرام،

مسجد النبی و برخی مساجد دیگر با

ویژگی‌هایی به قصد عبادت خدا

اعتكاف از ریشه «ع - ك - ف» به معنای محبوس کردن، روی آوردن به چیزی به طور پیوسته و روی نگرداندن از آن است.^۱ راغب آن را به معنای روی آوردن به چیزی و پایبندی به آن همراه بزرگداشت آن چیز دانسته است.^۲ شماری دیگر گفته‌اند: معنای اصلی این واژه، ماندن نزد چیزی و احاطه

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۰۸؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۵، «عكف».

۲. مفردات، ص ۳۴۳-۳۴۴، «عكف».

برای الگوپذیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دهه پایانی ماه مبارک رمضان انجام گیرد و سنتی کفایی است؛ یعنی اگر برخی آن را انجام دهند، از عهده دیگران برداشته می‌شود.^{۱۰}

قرآن کریم در آیاتی از اعتکاف و گوشه‌گیری برای عبادت در شرایع و ملل گوناگون، با مشتقاتی از «ع - ک - ف» یاد کرده است. از جمله در آیه ۱۲۵ بقره/۲ از فرمان خداوند به پیامبران خویش به مقصود تطهیر کعبه برای اعتکاف کنندگان: ﴿طَهِّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ﴾ و در آیه‌ای دیگر، از ممنوعیت آمیزش هنگام اعتکاف در شریعت اسلام یاد شده است: ﴿وَلَا تَبَايَهُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾. (بقره/۲، ۱۸۷) همچنین در آیاتی، از توقف مشرکان و حضور پیوسته آنان نزد بت‌ها برای عبادت با همین تعبیر یاد شده است؛ مانند ملازمت آزر و قوم وی: ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ (انبیاء/۲۱، ۵۲) و نیز گروهی از بت پرستان دیگر: ﴿فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ﴾ (اعراف/۷، ۱۳۸) و ملازمت قوم موسی علیه السلام نزد گوساله سامری: ﴿قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ﴾. (طه/۲۰، ۹۱) این موارد گونه‌ای عبادت به شمار می‌روند؛ اما از دایره اعتکاف اصطلاحی بیرون هستند.

۱۰. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۷.

کردن آن است، خواه به صورت مادی و خواه معنوی است.^۱

در اصطلاح فقه امامی، اعتکاف عبارت است از ماندن و توقف پیوسته برای عبادت^۲ و یا توقف در مسجد یا مسجد جامع به قصد عبادت^۳ با ویژگی‌های معین.^۴ اعتکاف در مذاهب دیگر اسلامی نیز همین تعریف را دارد.^۵ مثلاً شافعیان آن را توقف افرادی خاص در مسجد همراه نیت^۶ و حنبلیان آن را حضور پیوسته در مسجد با صفتی خاص از سوی مسلمان عاقل، بالغ و طاهر از حدث اکبر دانسته‌اند.^۷ وجه این نام‌گذاری آن است که معتکف، خود را پایبند مسجد سازد و از آن جدا نشود.^۸

به باور بیشتر فقیهان شیعه و اهل سنت، اعتکاف دو گونه است: مستحب و واجب.^۹ فقیهان برخی مذاهب اسلامی، آن را به سه گونه واجب، مستحب و سنت مؤکد تقسیم کرده و اعتکاف سنت را آن دانسته‌اند که

۱. التحقیق، ج ۸، ص ۲۰۰-۲۰۱، «عکف».
۲. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۸۹.
۳. الدروس، ج ۱، ص ۲۹۷؛ مدارک الاحکام، ج ۶، ص ۳۰۸.
۴. الدروس، ج ۱، ص ۲۹۷؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۳۸.
۵. الشرح الكبير، ج ۱، ص ۵۴۱؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۰.
۶. المجموع، ج ۶، ص ۴۷۴؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۲۱۷.
۷. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۰.
۸. مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۳۶؛ المجموع، ج ۶، ص ۴۷۴.
۹. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۹۰؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۵، ص ۲۰۸؛ مفردات، ص ۳۴۲.

◀ **پیشینه اعتکاف:** عزلت‌گزینی به قصد اعتکاف و عبادت در خانه خدا، از کارهای پیشینه‌دار در ادیان توحیدی گذشته است. پیامبران الهی و صالحان گاه مدتی از جامعه دوری می‌گزیدند و در مساجد یا معابد به عبادت و مناجات با خدا می‌پرداختند. از آیه ۱۲۵ بقره ۲: ﴿وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ﴾ برمی‌آید که اعتکاف در شریعت حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام نیز وجود داشته است.^۱ همچنین گزارش شده که حضرت سلیمان علیه‌السلام مدتی طولانی اعتکاف می‌کرد.^۲ در برخی حدیث‌ها، هنگام اعتکاف ایشان یک یا دو ماه و حتی یک یا دو سال و مکان آن بیت المقدس یاد شده است.^۳ درباره حضرت موسی علیه‌السلام نیز گزارش شده که *تورات* پس از ۴۰ روز اعتکاف بر ایشان نازل شد.^۴ در آیات ۱۶-۱۷ مریم/۱۹ از کناره‌گیری حضرت مریم از قوم خود یاد شده که در برخی از تفاسیر، مقصود از آن، کناره‌گیری برای عبادت خداوند و اعتکاف به شمار رفته است.^۵

در برخی از روایات، از وجود گونه‌ای اعتکاف و گوشه‌گیری برای عبادت در

روزگار جاهلیت سخن به میان آمده که «تحنث» نامیده می‌شده است.^۶ از جمله در روایتی گزارش شده که پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کوه حراء می‌آمد و در آن‌جا به تحنث می‌پرداخت.^۷ این کار پیامبر هر سال به مدت یک ماه تکرار می‌شد.^۸ بر پایه روایاتی دیگر، قرآن کریم نیز در یکی از همین موارد تحنث پیامبر، بر ایشان نازل شد.^۹ همچنین به گزارشی دیگر، پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مکه نذر کرد که یک ماه همراه حضرت خدیجه اعتکاف کند.^{۱۰} در حدیثی نیز از نذر عمر برای اعتکاف در روزگار جاهلیت^{۱۱} و اعتکاف عبدالمطلب به مدت یک ماه در این دوران یاد شده است.^{۱۲} برخی او را نخستین تحنث‌کننده در حراء دانسته‌اند.^{۱۳}

پس از بعثت نیز سنت اعتکاف رواج داشت و پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مسلمانان به این سنت الهی پایبند بودند. از جمله روایت شده است که در دهه پایانی ماه رمضان، برای پیامبر سائبانی در مسجد نصب می‌کردند و فرش‌ی

۶. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۵۴؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۸.

۷. مسند احمد، ج ۶، ص ۲۳۳؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳.

۸. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۶۳.

۹. اسباب النزول، ص ۵۵؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۸.

۱۰. امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۳۸۸؛ سبل الهدی، ج ۲، ص ۶۱.

۱۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۵۶؛ التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۲۵.

۱۲. احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۶۰۹.

۱۳. الکامل، ج ۲، ص ۱۵؛ السیرة الحلییه، ج ۱، ص ۳۸۲.

۱. التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۲۷۶؛ کنز الدقائق، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. روح المعانی، ج ۲۲، ص ۱۲۳.

۳. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۰۴؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱.

۴. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۹.

۵. میزان، ج ۱۴، ص ۳۴-۳۵.

اعتكاف همسران پیامبر^۷ و معصومان عليهم السلام^۸ پس از پیامبر یاد شده است.

◀ **اهمیت اعتكاف:** اعتكاف در شرایع الهی چندان اهمیت دارد که خداوند به دو پیامبر بزرگ خویش، ابراهیم و اسماعیل عليهم السلام فرمان داده که خانه‌اش را برای اعتكاف کنندگان تطهیر کنند. (بقره/۲، ۱۲۵) اهمیت این سنت پسندیده را در اسلام از اهتمام فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن می‌توان دریافت؛ به گونه‌ای که ایشان تا پایان عمر آن را ترک نکرد.^۹ حتی در سال نبرد بدر که ایشان نتوانست اعتكاف کند، در سال بعد قضای آن را به جای آورد.^{۱۰} به فرموده امیر مؤمنان، پیامبر صلی الله علیه و آله حتی هنگام ریزش باران و گِل آلود شدن سر و صورتش اعتكاف را رها نکرد.^{۱۱} افزون بر این، انجام هر ساله این عبادت را از سوی ایشان در حالی که عهده‌دار مسئولیت حکومت اسلامی و دارای اشتغال‌های فراوان بود، باید دلیلی بر اهمیت و جایگاه والای این عبادت در اسلام دانست.^{۱۲} التزام

می‌گسترند تا ایشان به اعتكاف پردازد.^۱ به سال دوم ق. که نبرد بدر در ماه رمضان رخ داد، ایشان به انجام این عبادت توفیق نیافت. از این رو، در سال دیگر، قضای آن را به جای آورد و دو برابر معمول، یعنی ۲۰ روز به اعتكاف پرداخت.^۲ بر پایه روایتی دیگر، ایشان نخست در دهه اول ماه رمضان اعتكاف کرد و در سال بعد در دهه میانی و در سال سوم در دهه آخر این ماه معتكف شد و از آن پس هر ساله در دهه آخر ماه رمضان اعتكاف می‌کرد.^۳ نیز گزارش شده است که پیامبر در سال وفات خویش، ۲۰ روز اعتكاف کرد.^۴ در برخی روایت‌ها، مکان اعتكاف ایشان پشت ستون توبه دانسته شده است.^۵ افزون بر این، اصحاب پیامبر نیز همراه ایشان اعتكاف می‌کردند و گاه که نیاز جنسی داشتند، نزد همسر خود می‌رفتند و سپس به مسجد بازمی‌گشتند. از این رو، آیه ۱۸۷ بقره/۲ نازل شد و آنان را از هم‌بستری با زنان هنگام اعتكاف بازداشت.^۶ در روایت‌هایی، از

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۳۳.

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۳۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۳۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۹، ص ۵۲۰.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۶۲؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۶۴؛ فتح الباری، ج ۴، ص ۲۳۶.

۶. جامع البیان، ج ۲، ص ۲۴۵؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۰۱.

۷. مسند احمد، ج ۶، ص ۹۲.

۸. جامع احادیث الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۳؛ ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۹. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۵۰؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۱۳.

۱۰. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۱؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۹، ص ۶۱.

۱۲. اعتكاف سنتی محمدی، ص ۴۱-۴۲.

دیگر پیشوایان دین به اعتکاف نیز دلیلی بر اهمیت آن است.^۱

وجه دیگر اهمیت و جایگاه والای اعتکاف، پاداش فراوان آن است. بر پایه روایتی، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله اعتکاف در ماه رمضان را برابر با دو حج و عمره دانست.^۲ در حدیثی دیگر، اعتکاف همراه ایمان و اخلاص را سبب آمرزش همه گناهان پیشین برشمرد.^۳ همچنین پاداش اعتکاف همراه ترک گناه، برابر با پاداش همه کارهای نیک به شمار رفته است.^۴ امام رضا علیه السلام اعتکاف یک شب ماه رمضان را با یک حج؛ و اعتکاف یک شب در مسجدالنبی را با یک حج و عمره برابر دانسته است.^۵ بر پایه حدیثی دیگر، پس از وحی الهی به ابراهیم به قصد پاکیزه کردن کعبه برای اعتکاف کنندگان، خداوند ۱۷۰ درجه از رحمت الهی را بر کعبه فرود آورد که از این میان، ۶۰ درجه آن برای طواف کنندگان، ۵۰ درجه برای اعتکاف کنندگان، ۴۰ درجه برای نمازگزاران و ۲۰ درجه برای نگاه کنندگان به کعبه است.^۶ در حدیثی دیگر، یک روز

اعتکاف مایه فاصله افتادن سه خندق میان انسان و آتش دوزخ به شمار رفته است.^۷

◀ احکام اعتکاف

۱۷. **مشروعیت اعتکاف:** ادله گوناگون بر مشروع بودن اعتکاف در اسلام در دست است؛ از جمله آیه ۱۸۷ بقره/۲ که در آن از برخی احکام اعتکاف در اسلام یاد شده است:^۸ «وَلَا تُبَاسِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ». نیز آیه ۱۲۵ بقره/۲ و نیز حدیث‌هایی که از فضیلت و اهمیت اعتکاف یاد کرده‌اند.^۹ دلیل دیگر، سیره پیامبر گرامی^{۱۰}، امامان معصوم و مسلمانان است. در روایت‌های گوناگون، از اعتکاف پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ماه رمضان یا شوال سخن به میان آمده است.^{۱۱} در حدیث‌هایی نیز از اعتکاف حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه^{۱۲}، امام حسن علیه السلام در مسجد الحرام^{۱۳}، امام حسین علیه السلام،

۷. کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۲.

۸. المبسوط، سرخسی، ج ۳، ص ۱۱۴؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۲۸.

۹. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۰؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۲۸.

۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۰.

۱۱. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵.

۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۳۳.

۱۳. المعتمر، ج ۲، ص ۷۳۲.

۱۴. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۲۹؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۳.

۱۵. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۰؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۱. المعتمر، ج ۲، ص ۷۳۲؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۳؛ ج ۱۶، ص ۱۳۱.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۰.

۳. کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۰-۵۳۲؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۷۵.

۴. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۶۷؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۱.

۵. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۵۸؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۵۱.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۵۰.

ویژه‌ای ندارد و تنها شرطش آن است که روزه در آن زمان مباح باشد. بهترین هنگام آن، ماه رمضان، به ویژه دهه پایانی آن است؛ زیرا پیامبر ﷺ اعتکاف در این روزها را با پاداش دو حج و عمره برابر دانست. سیره ایشان نیز اعتکاف در این روزها تا پایان عمر بود.^{۱۲} همچنین اعتکاف در ایام البیض (سیزدهم تا پانزدهم هر ماه قمری) پاداشی بیشتر دارد؛ زیرا روزه در این سه روز دارای پاداش بسیار است و پیامبر بر روزه این روزها تا پایان عمر پایداری می‌کرد.^{۱۳}

۴. شرایط اعتکاف: افزون بر شرایط عام تکلیف همچون بلوغ^{۱۴}، عقل^{۱۵} و نیز اسلام که شرط صحت اعتکاف شمرده شده^{۱۶}، برای اعتکاف شرایطی دیگر نیز یاد شده که برخی به اعتکاف‌کننده و شماری به خود اعتکاف از جمله زمان و مکان آن مربوط هستند. این شرایط عبارتند از:

۱. **نیت و قصد وجه:** اعتکاف بدون نیت صحیح نیست.^{۱۷} شماری از فقیهان، افزون بر

۱۲. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۱۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۶ ص ۲۴۰.
 ۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۹۴-۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳۶.
 ۱۴. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۴۹؛ الموسوعة الفقهیة، ج ۴، ص ۱۶۲.
 ۱۵. مجمع الفائدة، ج ۵، ص ۳۶۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۱.
 ۱۶. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۱.
 ۱۷. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۸۹؛ کتاب الصوم، ج ۲، ص ۳۲۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۲.

همسران پیامبر پس از ایشان^۱ و برخی صحابه در مسجد الحرام و مسجد بصره یاد شده است.^۲ اجماع فقیهان شیعه^۳ و اهل سنت^۴ نیز بر مشروعیت اعتکاف دلالت دارد.

۲. استحباب اعتکاف: به باور فقیهان شیعه^۵ و اهل سنت^۶ اعتکاف در اصل عبادتی مستحب و در ماه رمضان، به ویژه دهه پایانی آن، با الگوپذیری از پیامبر ﷺ مستحب مؤکد است.^۷ البته ممکن است با نذر و عهد و سوگند واجب شود.^۸ به باور بسیاری از فقیهان، اعتکاف پس از آغاز کردن آن واجب می‌شود.^۹ شماری دیگر بر آنند که پس از گذشت دو روز، واجب می‌گردد.^{۱۰} در برابر، برخی گفته‌اند: اعتکاف همواره مستحب است و با آغاز انجامش واجب نمی‌شود و معتکف هر گاه بخواهد، می‌تواند آن را قطع کند.^{۱۱}

۳. هنگام اعتکاف: اعتکاف هنگام

۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۵۵؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۲۵۷.
 ۲. المعتمر، ج ۲، ص ۷۳۲.
 ۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۱۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۳۹.
 ۴. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۴۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۱.
 ۵. ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۵۲؛ سلسله التناهی، ج ۶، ص ۱۴۵.
 ۶. فتح العزیز، ج ۶، ص ۴۷۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۱۷۵۷.
 ۷. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۴۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۷.
 ۸. ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۰۵؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۵۳.
 ۹. المعتمر، ج ۲، ص ۷۳۷؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۸۴.
 ۱۰. تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۸۴.
 ۱۱. الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۸؛ المعتمر، ج ۲، ص ۷۳۷؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۱.

این، قصد وجه یعنی تعیین وجوب یا استحباب اعتکاف را لازم دانسته‌اند.^۱

ب. **روزه گرفتن:**^۲ شماری از فقیهان روزه را شرط صحت اعتکاف شمرده‌اند. پس اعتکاف در روزهایی که روزه‌داری جایز نیست، صحیح به شمار نمی‌رود.^۳ البته روزه می‌تواند واجب یا مستحب باشد.^۴ حنفیان روزه را تنها در اعتکاف نذری و واجب لازم می‌دانند^۵ و شافعیان و حنبلیان روزه گرفتن را در اعتکاف واجب نمی‌شمرند و به استحباب آن باور دارند.^۶ اینان اعتکاف در شب و روزهای عید از جمله روزهای تشریق را جایز شمرده‌اند، با این که روزه در برخی از این روزها حرام است.^۷ با توجه به شرط روزه در اعتکاف، فقیهان در جواز اعتکاف برای مسافر دیدگاه‌های متفاوت دارند. برخی تنها اعتکاف در مساجد چهارگانه را برای مسافر جایز شمرده‌اند.^۸ گروهی اعتکاف مسافر را صحیح^۹ و برخی آن را مستحب دانسته‌اند؛ با این استدلال که اعتکاف، در نظر شارح پسندیده

است و حضور در وطن نیز در آن شرط نشده است.^{۱۰}

ج. **حداقل مدت اعتکاف:** به باور فقیهان امامی، حداقل زمان اعتکاف سه روز است.^{۱۱} اما فقیهان اهل سنت درباره حداقل زمان آن دیدگاه‌های گوناگون دارند؛ از جمله نیمی از روزه، نیمی از شب، یک روز، یک شبانه‌روز^{۱۲}، یک ساعت یا یک لحظه.^{۱۳} برخی بر آنند که اعتکاف کمتر از ۱۰ روز صحیح نیست؛ زیرا اعتکاف پیامبر ﷺ ۱۰ روز بوده است.^{۱۴}

د. **مکان اعتکاف:** فقیهان شیعه^{۱۵} و برخی مذاهب اهل سنت^{۱۶} بر این باورند که اعتکاف باید در مسجد صورت گیرد. حنفیان و شافعیان اعتکاف زن را در مسجد خانه‌اش یعنی جای نماز گزاردن وی جایز دانسته‌اند.^{۱۷} حتی گزارش شده که ابوحنیفه و شافعی به حرمت یا کراهت اعتکاف زنان در جایی جز مسجد خانه خود، باور داشته‌اند.^{۱۸}

به این شرط در قرآن کریم نیز اشاره شده است: ﴿وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ﴾ (بقره/۲، ۱۸۷)

۱. مسالك الافهام، ج ۲، ص ۹۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۲.
۲. السرائر، ج ۱، ص ۴۳۲؛ المجموع، ج ۶، ص ۴۵۸.
۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۹۰؛ المجموع، ج ۶، ص ۴۸۵.
۴. السرائر، ج ۱، ص ۴۲۳.
۵. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۲.
۶. المجموع، ج ۶، ص ۴۸۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۲.
۷. فتح العزیز، ج ۶، ص ۴۸۴؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۲۶۰.
۸. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۲۴؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۴۴۵.
۹. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۹۲؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۵.
۱۰. مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۵۸۵؛ رسائل فقهیه، ص ۱۸۵.
۱۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۹۰؛ المعبر، ج ۲، ص ۷۲۸.
۱۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۳۴؛ المجموع، ج ۶، ص ۴۸۹.
۱۳. المجموع، ج ۶، ص ۴۸۹؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۰.
۱۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۲۳۴؛ المحلی، ج ۵، ص ۱۸۰.
۱۵. مدارک الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۱.
۱۶. المجموع، ج ۶، ص ۴۷۸.
۱۷. الخلاف، ج ۲، ص ۴۲۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۲.
۱۸. فتح الباری، ج ۴، ص ۲۳۸؛ عمدة القاری، ج ۱۱، ص ۱۳۳.

اما درباره مصداق‌های مسجد محل اعتکاف، اختلاف نظر وجود دارد. نظر مشهور و حتی اجماع فقیهان شیعه آن است که اعتکاف تنها در چهار مسجد روا است: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره^۱؛ بدین استناد که اعتکاف باید در مسجدی انجام گیرد که پیامبر یا وصی او در آن نماز گزارده است و تنها این مساجد به گونه قطعی دارای این شرط هستند.^۲ برخی به جای مسجد بصره، مسجد مدائن را یاد کرده‌اند^۳ و گروهی مسجد مدائن را نیز به آن چهار مسجد افزوده و اعتکاف را در غیر آن‌ها جایز ندانسته‌اند.^۴ شماری از فقیهان اهل سنت اعتکاف را تنها در مسجد الحرام و مسجد النبی یا دو مسجد یاد شده و مسجد الاقصی جایز شمرده‌اند.^۵ در برابر، شماری دیگر از فقیهان شیعه و اهل سنت بر آنند که اعتکاف باید در مسجد اعظم یا جامع هر شهر صورت پذیرد.^۶ شماری دیگر اعتکاف را در هر مسجدی که نماز جماعت در آن برگزار شود، جایز می‌دانند. برخی انجام اعتکاف را در هر مسجدی جایز

شمرده‌اند^۷؛ بدین استناد که واژه «المساجد» در آیه ۱۸۷ بقره/۲ عام است و همه مساجد را در بر می‌گیرد.^۸

❧ **۵. باقی ماندن در مسجد:** بر پایه این شرط، به باور فقیهان شیعه^۹ و اهل سنت^{۱۰} بیرون رفتن از مسجد هنگام اعتکاف بدون ضرورت جایز نیست. اما شماری از فقیهان این شرط را ویژه اعتکاف واجب می‌دانند و بر آنند که در اعتکاف مستحب، معتکف می‌تواند هر گاه بخواهد، از مسجد بیرون شود.^{۱۱} از جمله موارد استثنای حرمت بیرون رفتن از مسجد محل اعتکاف، عبارتند از: بیرون رفتن برای تخیلی، غسل جنابت، فراهم کردن نیازهای زندگی یا غذای خود، عیادت بیماران، تشییع جنازه^{۱۲}، شهادت دادن، حضور در محفل علمی و شرکت در نماز جمعه.^{۱۳}

❧ **و. طهارت از حدث اکبر:** به پشتوانه این شرط، اعتکاف برای جنب و حائض جایز نیست^{۱۴} و اگر معتکف جنب یا حائض

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۳، ص ۱۱۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۴۳؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۶.

۸. المبسوط، سرخسی، ج ۳، ص ۱۱۵.

۹. المعبر، ج ۲، ص ۳۳۳؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۷.

۱۰. المبسوط، سرخسی، ج ۳، ص ۱۱۷؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۵۵.

۱۱. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۳.

۱۲. تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۸۶؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۴، ص ۱۶۸.

۱۳. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۴-۱۷۷۰.

۱۴. کتاب الطهاره، ج ۶، ص ۴۰۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۲.

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۲۵؛ السرائر، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲. السرائر، ج ۱، ص ۴۲۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۴۳.

۳. السرائر، ج ۱، ص ۴۲۱؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۶.

۴. المقنع، ص ۲۰۹.

۵. المبسوط، سرخسی، ج ۳، ص ۱۱۵؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۱۳.

۶. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۷۶؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۵۶-۱۷۵۷.

شود، بیرون رفتن از مسجد بر وی واجب است.^۱

ک. ز. **اجازه صاحب حق:** بر پایه منابع فقهی، اجازه گرفتن زن از شوهر^۲، اجیر از کارفرما^۳، عبد از مالک^۴ و فرزند از پدر و مادر خود - هرگاه اعتکاف او مایه آزار پدر و مادر شود^۵ - لازم است. از فقیهان اهل سنت، تنها مالکیان اعتکاف زن را بدون اجازه شوهر صحیح شمرده، هر چند او را در این صورت گناهکار دانسته‌اند.^۶ شماری از فقیهان نیاز به اجازه از صاحب حق را تنها ویژه اعتکاف مستحب می‌دانند.^۷

شرط دیگر که شماری از فقیهان اهل سنت بدان باور دارند، اشتغال به عبادت در حد توان و امکان است.^۸

۵. **محرمات اعتکاف:** برخی کارها بر معتکف حرام و چه بسا مایه باطل شدن اعتکاف است. این امور عبارتند از:

ک. ا. **آمیزش:** به پشتوانه آیه ۱۸۷ بقره/ ۲ و ادله دیگر، آمیزش جنسی هنگام اعتکاف

حرام و مایه ابطال آن است.^۹ زمان آمیزش و نیز عمدی یا سهوی بودن آن، در رفع این حرمت نقشی ندارند.^{۱۰} البته شماری از فقیهان آمیزش بر اثر اشتباه یا جهل یا اکراه را مایه بطلان اعتکاف ندانسته‌اند.^{۱۱} جماع یا هر آمیزشی که به انزال منی بینجامد^{۱۲} و حتی لمس و بوسیدن آمیخته با شهوت، سبب بطلان اعتکاف می‌شود.^{۱۳} به باور فقیهان شیعه و اهل سنت، در بطلان اعتکاف به سبب آمیزش، تفاوتی میان روز و شب نیست.^{۱۴}

ب. **جدال:** مقصود از جدال یا مرء که به پشتوانه روایات در اعتکاف جایز نیست، مجادله کردن در امر دنیایی یا دینی با انگیزه چیرگی بر دیگری یا با هدف اثبات فضیلتی برای خویش است.^{۱۵} اما اگر مقصود از اظهار نظر، بیان مطلبی علمی یا یادآوری خطای کسی باشد، از برترین عبادات به شمار می‌رود.^{۱۶}

۹. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۹۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۷.

۱۰. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۷.

۱۱. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۷؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۷.

۱۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۹۴؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۷.

۱۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۵۴.

۱۴. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۶۱؛ المبسوط، سرخسی، ج ۳، ص ۱۲۳.

۱۵. المغنی، ج ۲، ص ۱۴۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۰۹؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۴، ص ۱۷۱.

۱۶. مدارک الاحکام، ج ۶، ص ۳۴۵؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۴۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

۱. تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۶۷.

۲. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۵؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۳. المعین، ج ۲، ص ۷۲۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۵.

۴. المعین، ج ۲، ص ۷۲۸؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۱۸.

۵. هدایة العباد، ج ۱، ص ۲۷۸؛ منهج الصالحین، ج ۱، ص ۳۵۴.

۶. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۳.

۷. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۱۹.

۸. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۶۳.

۵. **بوییدن بوی خوش:** بوییدن بوی خوش از دیگر محرمات اعتکاف نزد فقیهان امامی است^{۱۲} که بر حرمت آن ادعای اجماع شده است^{۱۳}، هر چند شماری از فقیهان جواز و کراهت آن را باور دارند.^{۱۴}

۶. **انجام دادن مبطلات روزه:** از آن جا که روزه شرط اعتکاف است، کارهایی مانند خوردن و آشامیدن در روز ممنوع است^{۱۵} و با بطلان و فساد روزه، اعتکاف نیز باطل می شود.^{۱۶} همچنین به باور مشهور فقیهان شیعه، نشستن یا حرکت معتکف زیر سایه در صورت بیرون شدن وی از مسجد جایز نیست.^{۱۷}

۷. **کفاره محرمات اعتکاف:** در صورت ابطال اعتکاف با آمیزش جنسی، به باور همه فقیهان امامی و شماری از فقیهان اهل سنت، کفاره واجب می گردد.^{۱۸} اما درباره وجوب کفاره در دیگر محرمات اعتکاف، اختلاف نظر وجود دارد. فقیهان اهل سنت در دیگر

۸. **استمناء:** به باور مشهور فقهی، استمناء حرام است و مایه بطلان اعتکاف می شود.^۱ برخی این کار را حرام شمرده اند؛ اما آن را مایه بطلان اعتکاف ندانسته اند.^۲

۹. **خرید و فروش:** به باور فقیهان شیعه^۳ و بسیاری از فقیهان اهل سنت^۴ خرید و فروش هنگام اعتکاف حرام است؛ زیرا هدف از اعتکاف، عبادت است که با سوداگری منافات دارد.^۵ برخی این حکم را شامل همه انواع تجارت دانسته اند که انسان را از عبادت بازمی دارد.^۶ برخی چنین معامله ای را باطل^۷ و شماری آن را مایه بطلان اعتکاف نیز دانسته اند.^۸ اما بیشتر فقیهان تنها به حرمت آن حکم کرده اند.^۹ در برابر، شماری از فقیهان اهل سنت خرید و فروش را مباح یا مکروه شمرده اند.^{۱۰} البته خرید و فروش ضروری مانند تهیه نیازهای شخصی، از دید فقهی معنی ندارد.^{۱۱}

۱. الخلاف، ج ۲، ص ۲۲۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۵۶؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۳، ص ۹۰.
 ۲. الموسوعة الفقهیه، ج ۳، ص ۹۲.
 ۳. المعتبر، ج ۲، ص ۷۴۱؛ مدارک الاحکام، ج ۶، ص ۳۴۴.
 ۴. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۱۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۴۸.
 ۵. تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۲۵۷؛ المعتبر، ج ۲، ص ۷۴۱.
 ۶. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۸.
 ۷. المعتبر، ج ۲، ص ۷۴۱.
 ۸. الحدائق، ج ۱۳، ص ۴۹۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۰۷.
 ۹. المعتبر، ج ۱۲، ص ۷۴۱؛ الحدائق، ج ۱۳، ص ۴۹۳.
 ۱۰. المجموع، ج ۶، ص ۵۲۹.
 ۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۰۸؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۴، ص ۱۷۰.

۱۲. الخلاف، ج ۲، ص ۲۳۹؛ المعتبر، ج ۲، ص ۷۴۱.
 ۱۳. الخلاف، ج ۲، ص ۲۳۹.
 ۱۴. ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۴۲.
 ۱۵. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۸؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۸.
 ۱۶. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۶۳۹؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۴، ص ۱۷۱.
 ۱۷. الانتصار، ج ۳، ص ۲۰۳؛ مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۹۸.
 ۱۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۹۴؛ المعتبر، ج ۲، ص ۷۴۱؛ الشرح الكبير، ج ۳، ص ۱۴۳.

به پشتوانه روایات، احکامی مستحب و مکروه یاد شده‌اند که به عمده‌ترین موارد آن‌ها اشاره می‌شود:

❧ **أ. مستحبات:** مستحبات اعتکاف عبارتند از: اشتراط یعنی شرط کردن با خداوند در آغاز اعتکاف برای بیرون رفتن از مسجد در فرض ضرورت^{۱۰}، اشتغال به آموختن مباحث علمی که حتی از نماز مستحب برتر شمرده شده است^{۱۱} - البته شماری از فقیهان اهل سنت اشتغال بسیار به آن را مکروه شمرده‌اند^{۱۲} -، پرداختن در حد توان به نماز، تلاوت قرآن، ذکر الهی، استغفار، تفکر قلبی، ذکر صلوات، دعا، تفسیر قرآن، سخن گفتن با مردم، رفع نیازهای مردم^{۱۳}، و اعتکاف در ماه رمضان، به ویژه دهه پایانی آن.^{۱۴}

❧ **ب. مکروهات:** برخی به پشتوانه روایات معصومان علیهم‌السلام کارهایی از جمله گفت‌وگو درباره امور دنیا، جابه‌جا شدن و تغییر دادن محل اعتکاف خود، خشم گرفتن و ابراز ناخشنودی را در حال اعتکاف مکروه

محرمات، کفاره را واجب شمرده‌اند.^۱ شماری شماری از فقیهان امامی کفاره را در دیگر محرمات نیز واجب شمرده‌اند^۲ و گروهی آن را واجب ندانسته‌اند.^۳ شماری دیگر تنها در اعتکاف ماه رمضان و نیز اعتکاف‌های واجب، کفاره را لازم شمرده‌اند، نه در همه اعتکاف‌های مستحب.^۴ کفاره ابطال اعتکاف، آزاد کردن برده یا روزه گرفتن به مدت دو ماه پیاپی و یا اطعام ۶۰ مسکین است.^۵

▼ **۷. قضای اعتکاف:** اگر اعتکاف واجب باشد، در صورت باطل کردن آن، قضای آن واجب است.^۶ در فرض ارتداد اعتکاف‌کننده و بازگشت او به اسلام، برخی از اهل سنت قضای اعتکاف را واجب ندانسته‌اند.^۷ اما در صورت بطلان اعتکاف مستحب، فقیهان قضای آن را واجب نمی‌دانند^۸، مگر آن‌ها که ادامه دادن اعتکاف را پس از آغاز واجب شمرده‌اند.^۹

▼ **۸. آداب اعتکاف:** در مذاهب گوناگون،

۱۰. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۶ ص ۳۰۵.
 ۱۱. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۶ ص ۲۶۰؛ السنه، ج ۱، ص ۴۸۰.
 ۱۲. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۵.
 ۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۱۴۸؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۲؛ همشینی با خدا، ص ۱۷۲-۱۸۸.
 ۱۴. عروة الوثقی، ج ۳، ص ۶۶۷؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۳.

۱. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۶-۱۷۷۹.
 ۲. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۸؛ الحدائق، ج ۱۳، ص ۴۹۵.
 ۳. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۹۲؛ الحدائق، ج ۱۳، ص ۴۹۵.
 ۴. کشف الرموز، ج ۱، ص ۳۲۰؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۸.
 ۵. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۲۸؛ المعتمد، ج ۲، ص ۷۴۱.
 ۶. مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۱-۵۸۲؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۹.
 ۷. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۹.
 ۸. سلسله البنایع، ج ۶ ص ۱۱۹.
 ۹. الموسوعة الفقهیة، ج ۴، ص ۱۷۵.

به کوشش العطار، بیروت، دار الفکر؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۳ق؛ **تحریر الاحکام: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، مشهد، آل البيت علیهم السلام؛ **تحریر الوسيلة: روح الله الخمينی** علیه السلام (م. ۱۴۰۹ق.)، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق؛ **التحقیق: المصطفوی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۸ش؛ تذكرة الفقهاء: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق؛ **التفسیر الكبير: الفخر الرازی** (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات؛ **جامع احادیث الشیعه: حسین طباطبایی بروجردی** (م. ۱۳۸۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ق؛ **جامع بیان: الطبری** (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **الجامع الصغير: السيوطی** (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ق؛ **جواهر الكلام: النجفی** (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش؛ **الحدائق الناضرة: یوسف البحرانی** (م. ۱۸۶ق.)، به کوشش محمد تقی ایروانی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ **الخلافا: الطوسی** (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق؛ **الدر المنثور: السيوطی** (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ **الدروس: الشهيد الاول** (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **ذخيرة المعاد: محمد باقر السبزواری** (م. ۱۰۹۰ق.)، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام؛ **رسائل المرتضى: السيد المرتضى** (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش حسینی و رجایی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ق؛ **رسائل فقهیه: النجفی** (م. ۱۲۶۶ق.)، نسخه خطی؛ **روح المعانی: الأکوسی** (م. ۱۲۷۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الروضة البهیة: الشهيد الثاني** (م. ۹۶۶ق.)، قم، داوری، ۱۴۱۰ق؛ **روضة الطالبین: النووی** (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش عادل

شمرده‌اند.^۱ فقیهان اهل سنت نیز مکروهاتی را یاد کرده‌اند؛ از جمله سکوت به گونه مطلق، اعتکاف به مدت کمتر از ۱۰ روز، غذا خوردن در راهروی مسجد، اشتغال به کاری جز عبادت، سلام دادن به دیگری از راه دور، و اشتغال به تدریس قرآن و علوم.^۲

◀ منابع

احقاق الحق: نور الله الحسینی الشوشتری (م. ۱۰۱۹ق.)، تعلیقات شهاب الدین نجفی، قم، کتابخانه نجفی؛ **ارشاد الاذهان: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش الحسون، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ **اسباب النزول: الواحدی** (م. ۴۶۸ق.)، قاهره، الحلبي و شرکاه، ۱۳۸۸ق؛ **اعتکاف سنتی محمدی: رحیم نوبهار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش؛ اعتکاف هم‌نشینی با خدا: محمد صادق یوسفی مقدم، قم، امیر العلم؛ اقبال الاعمال: ابن طاوس** (م. ۶۶۴ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق؛ **امتاع الاسماع: المقریزی** (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ **الانتصار: السيد المرتضى** (م. ۴۳۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق؛ **ایضاح الفوائد: محمد بن حسن حلّی** (م. ۷۷۰ق.)، به کوشش سید حسین موسوی کرمانی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۷ق؛ **بحار الانوار: المجلسی** (م. ۱۱۱ق.)، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ **بدائع الصنائع: ابوبکر الکاظمی** (م. ۵۸۷ق.)، المكتبة الحبییه، پاکستان، ۱۴۰۹ق؛ **بداية المجتهد: القرطبي** (م. ۵۹۵ق.)،

۱. اعتکاف هم‌نشینی با خدا، ص ۱۹۳-۱۹۷.

۲. الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۱۷۷۴-۱۷۷۶.

احمد، بيروت، دار الكتب العلمية؛ **سبل الهدى و الرشاد**: محمد بن يوسف الصالحى (م.٩٤٢ق.)، به كوشش عادل احمد، بيروت، الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ **السرائر**: ابن ادريس (م.٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١١ق؛ **سلسلة البنايع الفقيهيه**: على اصغر مرواريد، بيروت، دار التراث، ١٤١٠ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه (م.٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار الفكر؛ **سنن ابى داود**: السجستاني (م.٢٧٥ق.)، به كوشش سيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ **السنن الكبرى**: البيهقى (م.٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **السيره الحلبيه**: الحلبي (م.١٠٤٤ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ق؛ **السيره النبويه**: ابن هشام (م.٢١٨ق.)، به كوشش محمد محيى الدين، قاهره، مكتبة محمد على صبيح، ١٣٨٣ق؛ **شرائع الاسلام**: المحقق الحلبي (م.٧٦٤ق.)، به كوشش شيرازى، تهران، استقلال، ١٤٠٩ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبركات (م.١٢٠١ق.)، بيروت، دار احياء الكتب العربيه؛ **صحيح البخارى**: البخارى (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **عمدة القارى**: العيني (م.٨٥٥ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **فتح البارى**: ابن حجر العسقلانى (م.٨٥٢ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد الرافعى (م.٦٢٣ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **فتح الوهاب**: زكريا محمد بن الانصارى (م.٩٣٦ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ **الفقه الاسلامى و ادلتنه**: وهبة الزحيلي، دار الفكر، دمشق، ١٤١٨ق؛ **فقه السنه**: سيد سابق، بيروت، دار الكتاب العربى؛ **الكافى**: الكليني (م.٣٢٩ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ق؛ **الكامل فى التاريخ**: ابن اثير على بن محمد الجزرى (م.٦٣٠ق.)، بيروت، دار الصادر، ١٣٨٦ق؛ **كتاب الصوم**: ابوالقاسم خوئى (م.١٤١٣ق.)، قم،

المطبعة العلميه، ١٣٦٤ش؛ **كتاب الطهاره**: ابوالقاسم خوئى (م.١٤١٣ق.)، قم، دار الهادى، ١٤١٠ق؛ **كشف الرموز**: الفاضل الآبى (م.٩٠٠ق.)، به كوشش اشتهااردى و يزدى، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٨ق؛ **كنز الدقايق**: المشهدى (م.١١٢٥ق.)، به كوشش مجتبى عراقى، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٧ق؛ **كنز العمال**: المتقى الهندى (م.٩٧٥ق.)، به كوشش السقاء، بيروت، الرساله، ١٤٠٩ق؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م.٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **المبسوط**: السرخسى (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفة؛ **المبسوط**: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، المكتبة المرتضويه، ١٣٨٧ق؛ **مجمع البيان**: الطبرسى (م.٥٤٨ق.)، گروهى از علما، بيروت، اعلمى، ١٤١٥ق؛ **مجمع الفائده و البرهان**: المحقق الاردبيلى (م.٩٩٣ق.)، به كوشش عراقى و ديگران، قم، انتشارات اسلامى، ١٤١٦ق؛ **المجموع شرح المهذب**: النووى (م.٦٧٦ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **المحلى**: ابن حزم الاندلسى (م.٤٥٦ق.)، به كوشش احمد شاکر، بيروت، دار الفكر؛ **مختلف الشيعه**: العلامة الحلبي (م.٧٢٦ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٢ق؛ **مدارك الاحكام**: سيد محمد بن على موسوى العاملى (م.١٠٠٩ق.)، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ١٤١٠ق؛ **المدونة الكبرى**: مالك بن انس (م.١٧٩ق.)، مصر، مطبعة السعاده؛ **مسالك الافهام**: الشهيد الثانى (م.٩٦٦ق.)، قم، مؤسسه معارف اسلامى، ١٤١٣ق؛ **مستدرک الوسائل**: النورى (م.١٣٢٠ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤٠٨ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م.٢٤١ق.)، بيروت، دار صادر؛ **المعتبر**: المحقق الحلبي (م.٦٧٦ق.)، قم، مؤسسه سيد الشهداء، ١٣٦٤ش؛ **معجم مقاييس اللغه**: ابن فارس (م.٣٩٥ق.)، به كوشش عبدالسلام، قم، دفتر

بخش مهم آن به تاریخ و جغرافیای مکه و مدینه در سده سوم ق. اختصاص دارد و گویا برای دیوانیان نگاشته شده است.^۱

از تاریخ ولادت و درگذشت و محل وفات ابن رسته اطلاعی در دست نیست. تنها می‌دانیم که به گفته خودش اهل اصفهان (ص ۱۵۱) بوده و به سال ۲۹۰ ق. به سفر حج رفته است. (ص ۷۳) دخویه (M. J. De Goeje) احتمال داده است او از نسل عبدالرحمن بن عمر بن یزید بن کثیر رسته (م. ۲۴۶/۲۵۰ ق.) باشد که از یحیی قطان و عبدالرحمن بن مهدی بسیار روایت کرده است.^۲

الاعلاق النفیسه تنها اثری است که از ابن رسته سراغ داریم و تنها دو نسخه دست‌نویس از آن شناسایی شده که یکی در موزه بریتانیا و دیگری در دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود.^۳ دخویه به گزارش از شارل ریو (Ch. Rieo) و به پشتوانه برگ نخست نسخه بریتانیا که در ۶۵۲ ق. نوشته شده است، کتاب را *المجلد السابع من کتاب الاعلاق النفیسه* نامیده و آن را جلد هفتم اثری پربرگ و بار شمرده است.^۴ از شش جلد دیگر و موضوعات آن‌ها آگاهی در دست نیست و نویسنده نیز در هیچ

تبلیغات، ۱۴۰۴ ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الكتاب العربی؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ ق.)، نشر کتاب، ۱۴۰۹ ق؛ المقنع: الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، قم، مؤسسه الامام الهادی (ع.)، ۱۴۱۵ ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۶۲ ق.)، به کوشش پیشنماز، تبریز، ۱۳۳۳ ش؛ منهاج الصالحین: سید محسن الحکیم (م. ۱۳۹۰ ق.)، بیروت، دار الصفوه، ۱۴۱۵ ق؛ الموسوعة الفقهیه: کویت، وزارة الاوقاف، ۱۴۰۹ ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۱۲ ق.)، قم، جامعه مدرسین؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البیت (ع.)، ۱۴۱۴ ق؛ هدایة العباد: محمد رضا موسوی گلپایگانی (م. ۱۴۱۴ ق.)، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ ق.

سید جعفر صادقی فدکی، سید محمود رضوی



الاعلاق النفیسه: کتابی در نجوم، تاریخ، جغرافیا و اطلاعات عمومی، نوشته ابن رسته (زنده در ۲۹۰ ق.)

الاعلاق النفیسه کتابی است دائرة المعارف گونه به زبان عربی در نجوم، جغرافیا و آگاهی‌های پراکنده، نوشته ابوعلی احمد بن عمر بن رسته اصفهانی، مشهور به ابن رسته که

۱. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۲. الاعلاق النفیسه، ص ۷، «مقدمه دخویه»؛ ذکر اخبار اصفهان، ص ۵۴.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۵۵۳، «ابن رسته».

۴. الاعلاق النفیسه، ص ۷، «مقدمه دخویه».